

## مقایسه تحلیلی شخصیت از دیدگاه روانشناسی با مفهوم شاکله در قرآن

روح الله محمدعلی نژاد عمران<sup>۱</sup> / مینا شمخی<sup>۲</sup>\*

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۳۱

تاریخ ارسال: ۹۸/۱۰/۱

### چکیده

در آموزه‌های قرآنی، بهره‌مندی افراد جامعه اسلامی از شخصیت کارا، مفید و اثرگذار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این موضوع نیز یکی از مفاهیم بنیادین در ادبیات روانشناسی است. از این رو هدف پژوهش حاضر: بررسی مفهوم و عناصر شکل‌دهنده شاکله در قرآن و تطبیق آن با مؤلفه‌های شخصیت در روانشناسی است. روش پژوهش: کیفی از نوع تحلیل محتوا بوده و جامعه پژوهش: شامل کلیه آیات قرآن مربوط به شاکله بود که به منظور استخراج مبانی مشاوره‌ای بر پایه آیات قرآن کریم و روایات در جهت حل معضلات روانی - شخصیتی به انجام رسید. یافته‌های این پژوهش، ضمن آشکارسازی جلوه‌ها و ابعاد شخصیت سالم و متعالی و تبیین ویژگی‌های مفهوم شناسانه آن، نشان‌دهنده تفاوت معناداری بین شخصیت و شاکله است که اگرچه در یک تعریف کلی شبیه به یکدیگر هستند، اما شاکله معنایی اعم نسبت به شخصیت داشته و مؤلفه‌های دیگری همچون: خلق و خوی، نیت‌ها، نیازها، ساختارهای روحی، تعقل و رفتارها را نیز در برمی‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، روانشناسی، شاکله، شخصیت، مؤلفه‌ها.

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی. [alinejad@atu.ac.ir](mailto:alinejad@atu.ac.ir)

۲ \* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز. [m\\_shamkhi@yahoo.com](mailto:m_shamkhi@yahoo.com)

## مقدمه

«شخصیت»، از پیچیده‌ترین مفاهیم در روان‌شناسی است که می‌توان آن را مجموعه‌ای از افکار، خلق و خوی، رفتار اجتماعی و ویژگی‌های فیزیکی شخص دانست؛ به گونه‌ای که با شناخت و بررسی آن می‌توان به صورت علمی رفتارهای انسان را تبیین کرد. موضوع شخصیت در تمامی مکاتب روانشناسی مورد توجه بوده است، به گونه‌ای که به باور محققان، شخصیت، هدف نهایی تمام بررسی‌های روان‌شناختی است (مایلی، ۱۹۹۴ م). برداشت‌های مختلفی از ماهیت انسان، توسط نظریه‌پردازان ارائه شده است که امکان مقایسه معناداری را بین دیدگاه‌های آن‌ها فراهم می‌کند. اگرچه که تمام نظریه‌های شخصیت با یکدیگر همسو نیستند، اما هر یک ابعاد خاصی را متذکر می‌شوند (سیاسی، ۱۳۷۴).

آلپورت<sup>۱</sup> با مرور ۵۰ تعریف از شخصیت، شخصیت را این‌گونه تعریف می‌کند: «شخصیت عبارت است از سازمان‌دهی پویای نظام‌های روانی و فیزیولوژیکی درون فرد که رفتار و افکار شاخص را تعیین می‌کند، به نظر آلپورت، هرکس شامل مجموعه‌ای از رفتارهای خاص خود است که او را از دیگران متمایز می‌کند و به این علت هیچ دونفری کاملاً شبیه هم نیستند» (آلپورت، ۱۹۳۷ م)؛ اما تعریفی کلی، جامع و مانع این است که شخصیت سازمان پویای (زنده) جنبه‌های ادراکی و انفعالی و ارادی و بدنی فرد آدمی است (سیاسی، ۱۳۷۴).

از دیدگاه هیلگارد و اتکینسون، شخصیت الگوهای متمایز و ویژه‌ای از افکار، خلق و خوی، انگیزه‌های درونی، تأثیر محیط، تعقل، هیجان‌ها و رفتارها است که سبک شخصی تعامل هر فرد با محیط مادی او را شکل می‌دهند، بر این اساس یکی از نخستین

<sup>۱</sup> Allport, G.W.

وظایف روان‌شناسی شخصیت، توصیف تفاوت‌های فردی، یعنی انواع و اقسام تفاوت‌های هر فرد با فرد دیگر است (اتکینسون، بی‌تا).

شخصیت یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های سلامت و موفقیت هر فرد است و شکل‌گیری آن از هر دو عامل وراثت و محیط به‌صورت تعاملی اثر می‌پذیرد. تسهیل روابط و الگوهای مناسب رفتاری در خانواده، مراکز آموزشی و توسعه زیرساخت‌های فرهنگی - اقتصادی و سیاسی به‌عنوان عوامل محیطی اثرگذار در شکل‌گیری و پرورش شخصیت سالم نقش حیاتی ایفا می‌نمایند (صفاری نیا؛ آقاییوسفی؛ برادران، ۱۳۹۳).

گزارش‌های تاریخی و نظریات فیلسوفان و اندیشه‌وران حوزه‌های تعلیم و تربیت در طول هزاران سال گذشته گواه بر این مطلب است که برای انسان هیچ حکم ارزشی مهم‌تر از داوری وی دربارهٔ خودش نبوده است. طی سده گذشته نیز بسیاری از روان‌شناسان این نظریه را پذیرفته و در قالب ویژگی‌ها و صفات نفسانی که با وجود آن شخصیت انسان شکل می‌گیرد و انسان را در گام نهادن در مسیر زندگی یاری می‌دهد، به بحث در مورد آن پرداخته‌اند (هرگنهان، ۲۰۱۵، م).

اساساً انسانی که خود را مفید و ارزشمند بداند از سلامتی روانی بالاتری بهره‌مند خواهد بود. در مقابل، شخصی که از خود تصور منفی داشته باشد و خود را ناتوان و بی‌ارزش بداند به بسیاری از اختلالات روانی دچار شده و در موقعیت‌های دشوار زندگی تاب مقاومت نخواهد داشت (نک؛ محمدعلی‌نژاد عمران و کمالوند، ۱۳۹۵).

از منظر علم روان‌شناسی، برخورداری از شخصیت سالم، نیاز اساسی انسان به شمار رفته و مقوله‌ای است که انسان پیوسته برای رسیدن به آن تلاش می‌کند (گنجی، ۱۳۷۶). از دیگر دلایل اهمیت این موضوع آن است که به افراد ویژه‌ای اختصاص ندارد بلکه همه افراد صرف‌نظر از جنسیت، سن، زمینه فرهنگی، جهت و نوع کاری که در زندگی

دارند نیازمند شخصیت متکامل هستند، چراکه تشخص بر همه سطوح زندگی انسان اثرگذار است و اگر این نیاز به صورت صحیح ارضاع نشود نیازهای گسترده‌تری نظیر نیاز به خلاقیت، پیشرفت و یاد درک استعداد بالقوه محدود می‌ماند.

با توجه به شیوع تعارضات شخصیتی که عمدتاً برخاسته از دیدگاه‌های منفی است که افراد نسبت به خود دارند و با توجه به آنکه مشاوران و روانشناسان همواره درصدد ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از ابتلا به تعارضات و در نهایت درمان آن بوده‌اند، لذا به نظر می‌رسد ارائه الگوی مشاوره‌ای مبتنی بر دیدگاه‌های قرآن کریم که به افراد دچار تعارض، کمک کند تا زندگی توأم با آرامش و رشد را تجربه کنند در این خصوص مؤثر واقع شود. در قرآن کریم و احادیث اهل بیت (ع) بسیاری از عناوین و مسائل روان‌شناسی مطرح شده است از جمله مباحث مربوط به نفس و مراتب آن و حتی فراتر از روان یعنی مسئله روح و نیز مسائل بهداشت روان به صورت گسترده پرداخته شده است که در این مورد کتاب قرآن و روان‌شناسی تألیف عثمان نجاتی (ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۱) قابل توجه است. این پژوهش درصدد آن است که مفهوم شخصیت را از دیدگاه روانشناسی و قرآن به روش تطبیقی تحلیل و بررسی کند تا ضمن بیان نقاط اشتراک و افتراق این دو دیدگاه زمینه‌ای برای نظریه‌پردازی در حوزه روانشناسی اسلامی فراهم آورد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع «تحقیقات بنیادی» است. روش مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل محتوای کیفی است (نک؛ دیدگاه؛ شریعتی؛ بهشتی؛ ایمانی نایینی، ۱۳۹۷) که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به منظور درک معنای شخصیت و استخراج مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده آن در منابع اسلامی به کار گرفته شده است. داده‌های کیفی تحقیق، حاصل تجزیه و تحلیل آیات، تفاسیر، احادیث و نظریه‌های روانشناسی و گزاره‌های مفهومی منتج از

آن‌ها ارائه شده است. سپس یافته‌های حاصل از روش تحلیل محتوا برای استخراج مفاهیم موردنظر استنباط شده که در نهایت با ترسیم ابعاد تشکیل‌دهنده مفهوم شخصیت و شاگله خاتمه می‌یابد. در این طرح ضمن بازشناسی مفهوم شخصیت در دانش روان‌شناسی و معنانشناسی واژه شاگله در قرآن، به بررسی تطبیقی این دو مفهوم پرداخته شد و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها نسبت به این مؤلفه اساسی جهت تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها مورد مطالعه قرار گرفت تا بتواند در جهت حل معضلات شخصیتی مراجعین مورد استفاده مطلوب قرار گیرد. اینکه اساساً شاگله و شخصیت از چه نقش و جایگاهی در تعالی و موفقیت فردی و اجتماعی انسان برخوردار است؟ خاستگاه و منشأ پیدایش شخصیت چیست؟ انگیزه‌های متعالی و معرفت نفس چه نقشی در ایجاد یا تقویت شخصیت دارد؟ و این که جلوه‌های تشخص در ابعاد مختلف زندگی انسان کدام است؟ از جمله مهم‌ترین سؤالات این مقاله است.

**مفهوم شخصیت در روان‌شناسی.** واژه‌ی شخصیت<sup>۱</sup> از واژه «پرسونا» گرفته شده است به معنی نقاب و یا ماسکی که بازیگران تئاتر در یونان و روم قدیم بر چهره می‌گذاشتند؛ این تعبیر در حقیقت اشاره‌ی تلویحی دارد بر این که شخصیت هر فرد ماسکی است که او بر چهره خود می‌زند تا وجه تمایز او از دیگران باشد (کریمی، ۱۳۷۰).

با این حال، مفهوم شخصیت در مکاتب و رویکردهای مختلف تعاریف متفاوتی دارد. به‌عنوان مثال، بر اساس ریشه کلمه ممکن است نتیجه بگیریم که شخصیت، به ویژگی‌های بیرونی و قابل مشاهده ما اشاره دارد و یا به‌عبارتی دیگر، به جنبه‌هایی که دیگران می‌توانند آن‌ها را ببینند اطلاق می‌شود. پس شخصیت ما در غالب تأثیری که بر دیگران می‌گذاریم، یعنی آنچه به نظر می‌رسد که باشیم، تعریف می‌شود. (شولتز، دوان و شولتز، سیدنی آلن، ۱۹۹۸ م).

<sup>۱</sup> personality

این تعریفی است که به صورت ویژه در ادبیات رویکرد رفتاری مورد بحث قرار گرفته است (بیشاپ؛ دیکسون؛ مور؛ لاندی، ۲۰۱۶ م). اما آیا رویکرد رفتاری نگاهی جامع به این مفهوم داشته است؟ مطمئناً وقتی که از شخصیت حرف می‌زنیم منظورمان چیزی بیشتر از آن است، مقصود ما در نظر داشتن بسیاری از ویژگی‌های فرد است، کلیت یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های مختلف که از ویژگی‌های جسمانی سطحی، فراتر می‌رود.

رویکردهای شناختی غالباً در تعریف شخصیت بر این نکته تأکید دارند که این واژه، تعداد زیادی از ویژگی‌های ذهنی اجتماعی و هیجانی را نیز در برمی‌گیرد؛ ویژگی‌هایی که ممکن است نتوانیم به طور مستقیم ببینیم یا شخص آن‌ها را از ما مخفی نگه می‌دارد و یا خودمان سعی کنیم آن‌ها را از دیگران مخفی نگه داریم (کارور و شیر، ۲۰۱۲ م).

رویکردهای صفاتی این تعریف را مبنای عمل خود قرار داده‌اند که امکان دارد هنگام استفاده از واژه شخصیت، منظورمان ویژگی‌های پایدار باشد (فاجکوسکا، ۲۰۱۸ م). تصور ما این است که شخصیت، نسبتاً پایدار و پیش‌بینی پذیر است. برای مثال، با وجودی که قبول داریم دوستان اغلب اوقات آرام است، اما او می‌تواند در زمان‌های دیگر، تحریک‌پذیر، عصبی یا سراسیمه شود؛ شخصیت، انعطاف‌ناپذیر و ثابت نیست، بلکه می‌تواند بر حسب موقعیت تغییر کند؛ تعریف ما از شخصیت ممکن است عقیده‌ی بی‌نظیر بودن انسان را نیز شامل باشد؛ ما شباهت‌هایی را در بین مردم می‌بینیم، با این حال احساس می‌کنیم که هر یک از ما ویژگی‌های خاصی داریم که ما را از دیگران متمایز می‌سازد. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که شخصیت، مجموعه‌ای از ویژگی‌های پایدار و بی‌نظیر است

<sup>۱</sup> Bishop, S. K., Dixon, M. R., Moore, J. W. & Lundy, M. P.

<sup>۲</sup> Carver, C. S. & Scheier, M. F.

<sup>۳</sup> Fajkowska, M.

که ممکن است در پاسخ به موقعیت‌های مختلف، تغییر کند. (شولتز، دوان و شولتز، سیدنی آلن، ۱۹۹۸ م).

با این حال، امروزه این واژه در ادبیات روانشناسی معنایی وسیع یافته است. به طوری که انجمن روانشناسی آمریکا شخصیت را «تفاوت‌های فردی در الگوهای تفکر، احساس و رفتار» تعریف می‌کند (کازدین،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰ م)؛ این تعریف اغلب در رویکردهای یکپارچه‌نگر و التقاطی دیده می‌شود. لازاروس<sup>۲</sup> به عنوان یکی از سردمداران مکتب یکپارچه‌نگر، شخصیت را مجموعه افکار، احساسات، رفتار اجتماعی و ویژگی‌های فیزیکی یک شخص می‌داند (هامردین، ۲۰۰۵ م).

در مجموع ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که شخصیت اساسی‌ترین تعریف در موضوع علم روانشناسی و محور اساسی بحث در چند زمینه شامل یادگیری، انگیزه، تفکر و تعقل، خلق و خوی، انگیزه‌های درونی و بیرونی است، به عبارتی موارد فوق، مواد تشکیل‌دهنده شخصیت به حساب می‌آیند (شاملو، ۱۳۸۴؛ کریمی، ۱۳۸۹؛ گروسی فرشی، ۱۳۸۴). با توجه به وجود شباهت‌ها در بین مردم، تفاوت‌هایی نیز قابل مشاهده است که هر یک را از دیگری متمایز می‌کند. لذا شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی‌های پایدار و بی‌نظیر است که ممکن است در پاسخ به موقعیت‌های مختلف تغییر کند.

**مفهوم‌شناسی شخصیت در قرآن.** در قرآن واژه شخصیت و مفهوم آن، با تعبیر «شاکله» به تصویر کشیده شده است؛ در واقع یکی از مهم‌ترین عناصر شخصیت که در قرآن وجود دارد، مفهوم شاکله است. خداوند در سوره اسراء آیه ۸۴ چنین می‌فرماید: (قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا)، «تو به خلق بگو که هر کس

<sup>۱</sup> Kazdin, A. E.

<sup>۲</sup> Lazarus, R.

برحسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد و خدای شما بر آن که راه هدایت یافته از همه کس آگاه‌تر است».

قرآن کریم در این آیه، عمل انسان را مبتنی بر چیزی می‌داند که آن را شاکله می‌نامد. به عبارت دیگر منشأ اعمال آدمی شاکله اوست؛ پس شاکله نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را مجسم نموده و معنویات او را نشان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴). بر اساس این نکته و نیز مفهوم شخصیت در روانشناسی، می‌توان به طور اجمال و بدون توجه به تعاریف خاصی که از شخصیت ارائه شده است، شاکله را معادل مفهوم شخصیت در روانشناسی دانست.

از نتایج مهم آیه فوق این است که اعمال انسان برگرفته از خصوصیات و ویژگی‌های ثابت روانی او است. خصوصیتی که در روح هر شخص شکل می‌گیرد او را از دیگران جدا کرده و نیز مشخص می‌کند یک فرد چگونه به دیگران واکنش نشان می‌دهد. به عبارتی، شخصیت فقط بودن انسان را تعیین نمی‌کند، بلکه رفتار او را هم مشخص می‌کند و این امر، در بحث شاکله از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شاکله مهم‌ترین عامل اثرگذار بر رفتار است، هر شخصی با توجه به شاکله‌ی خویش عمل می‌کند و تغییر رفتار تحت تأثیر آن نیز می‌باشد؛ در ارتباط با معانی شاکله نظریات متعدد و گوناگونی مطرح شده است که برای دست‌یابی به معنای جامع و دقیق آن لازم است به بررسی آن در سایر منابع موجود پرداخته شود:

۱- شاکله از ماده‌ی «شکل» می‌باشد و به معنای چیزی را با علامتی، مشخص و نشانه‌گذاری کردن است. لذا به معنای بستن پای چهارپا است «شکلت الدابه» و آن طنابی را که با آن پای حیوان را می‌بندند شکال می‌گویند و نیز درجایی که گفته می‌شود «شکلت الکتاب»، یعنی پای آن‌را با نشانه‌ها و حرکات، اعراب‌گذاری کردم (ابن منظور، ۱۴۱۴).



۲- شاکله به معنای اخلاق است و اگر خلق و خوی را شاکله خوانده‌اند، بدین مناسبت است که آدمی را محدود و مقید می‌کند و نمی‌گذارد در آنچه می‌خواهد آزاد باشد، بلکه او را وادار می‌سازد تا به مقتضا و طبق آن اخلاق رفتار کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴).

۳- به معنای شبیه بودن، مثل و مانند بودن و امر مشتبه نیز از این امر گرفته شده است، زیرا وقتی چیزی هم‌شکل و مانند داشته باشد تشخیص آن دشوار است (ابن فارس، ۱۴۰۴). تفاوت (شکل و مثل) این است که اگر شباهت دو چیز به یکدیگر به گونه‌ای نزدیک باشد که بیشتر صفات آن دو را نیز در برگیرد به گونه‌ای که تشخیص بین آن دو، دشوار باشد از واژه‌ی (شکل) استفاده می‌شود، اما اگر شباهت در ذات آن‌ها باشد از واژه‌ی (مثل) استفاده می‌شود (عسکری، ۱۴۱۲).

۴- طبیعت درونی و باطنی فرد که در ظاهر شکل خاصی در ظاهر فرد ایجاد می‌کند و این رفتارها سرچشمه و نتیجه طبیعت باطنی انسان است، به گونه‌ای که تمام افعال و اعمال انسان طبق آن انجام گرفته و از آن تخلف نمی‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ عبدالقادر، ۱۳۸۲). آنچه از مجموع این نظرات برمی‌آید این است که شاکله از (شکل) گرفته شده است و به معنای مقید کردن، محدود کردن، شباهت یک امر به امر دیگر به کار می‌رود. مقدمات و عناصر تشکیل‌دهنده شاکله از قبیل خلق و خوی، تعقل، نیت‌ها و انگیزه‌های درونی، نیازها و حاجات درونی و ... هر یک، نقش مهمی در تغییر شاکله دارند.

علاوه براین، می‌توان این مفهوم را از نگاه مفسران نیز بررسی کرد:

۱- شاکله به معنای طریقت است؛ وقتی گفته می‌شود این طریق دارای شاکله‌هاست، معنایش این است که هر جمعیتی به وسیله‌ی آن و تحت‌الشعاع آن، راه دیگری را برای خود جدا کرده‌اند. گویا، طریقه را از این جهت شاکله خوانده‌اند که رهروان و منسوبین به آن دو، خود را ملتزم می‌دانند که از آن راه منحرف نشوند. بعضی دیگر گفته‌اند که شاکله از «شکل» است که به معنای مثل و مانند است. برخی دیگر آن را به معنای هیأت و فرم می‌دانند. به هر حال آیه‌ی کریمه عمل انسان را مترتب بر شاکله او دانسته و به این معنا که

عمل هر چه باشد مناسب با اخلاق آدمی است، چنانچه در فارسی گفته‌اند (از کوزه همان برون تراود که در اوست) (طباطبایی، ۱۳۷۴).

۲- شاکله دارای سه وجه از معنا می‌باشد: طبیعت و نوع خلقت؛ روش‌ها و شیوه‌هایی که به آن عادت کرده است و آن چیزی که در نزد فرد، حق و درست است (طبرسی، بی تا).

۳- عادات و سننی که انسان بر اثر تکرار یک عمل اختیاری کسب کرده است و همچنین اعتقاداتی که با استدلال و یا از روی تعصب پذیرفته است، همه‌ی این‌ها نقش تعیین‌کننده دارند و شاکله محسوب می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

۴- شاکله یعنی این که از هرکس آن آید که سزاوار اوست. خداوند ابلیس لعین را فرمود: آدم را سجده کن، گفت: نکنم که آدم از خاک است و من از آتش، فرمود: ای بدبخت، ناچار هرکس آن کند که سزای اوست و از هرکس آن آید که در اوست (مبیدی، ۱۳۵۲).

۵- شاکله به معنای مذهب می‌باشد، زیرا انسان مطابق با جوهر نفس خود عمل می‌کند (درویش، ۱۴۱۵).

۶- در بعضی از روایات شاکله به نیت تفسیر شده است؛ از امام صادق (ع) چنین نقل شده است: «نیت افضل از عمل است، اصلاً نیت همان عمل است، سپس آیه‌ی قُلْ كُلُّ یَعْمَلُ عَلَی شَاکِلَتِهِ را قرائت فرمودند و منظور از شاکله را نیت دانسته‌اند» (کلینی، ۱۴۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴). این تفسیر نکته جالبی در بر دارد و آن این که نیت انسان از اعتقادات او برمی‌خیزد، به عمل او شکل می‌دهد و اصولاً خود نیت، یک نوع شاکله است، یعنی امر مقیدکننده است. لذا گاهی نیت را به خود عمل تفسیر فرموده و گاه آن را برتر از عمل شناخته چرا که به‌رحال خط عمل منشعب از خط نیت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

۷- واضح بودن و روشن بودن، یعنی هر انسانی بر اساس آنچه نزدش روشن است عمل می‌کند (نحاس، بی تا).

از معانی فوق می‌توان دریافت که شاکله، تصاعد و ترکیب معانی زیر است: نیت، خلق و خوی، حاجت و نیاز، مذهب و طریق، هیئت است. از آنجا که تمامی موارد فوق زیربنای رفتارهای انسان قرار می‌گیرند، می‌توان چنین بیان داشت که سرچشمه شاکله تحت تأثیر آن است.

### یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، مفاهیم هم‌نشین شخصیت در آیات قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه به منظور تبیین مفهوم شخصیت \_ که در ادبیات قرآنی با تعبیر «شاکله» به تصویر کشیده شده بود \_ و نیز ترسیم ابعاد و عناصر تشکیل دهنده آن، ضمن مراجعه به کتب لغوی متقدم، منابع اولیه روایی شیعه و تفاسیر معتبر، مطالب بر اساس روش تحلیل مضمون به صورت ساختاریافته ارائه شد. به نحوی که هر یک از واژه‌های «شخصیت» و «شاکله» مفهوم‌شناسی شده و عناصر مشترک در این دو با مقایسه و تطبیق استخراج شد و در نهایت، اختصاصات قرآنی از مفهوم شخصیت، جهت استفاده بیشتر از سوی روانشناسان در رفع تعارضات و مشکلات مراجعین تبیین شد.

**عناصر مشترک تشکیل دهنده شخصیت در روانشناسی و قرآن.** با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در ارتباط با شخصیت و شاکله، مشخص می‌شود عناصر تشکیل دهنده شاکله و شخصیت در چند محور قابل تطبیق و همسانی هستند که به شرح زیر قابلیت دسته‌بندی دارند:

### (۱) خلق و خوی

یکی دیگر از مقدمات شاکله و شخصیت، خلق و خوی است که چارچوب رفتاری انسان را محدود و مقید می‌سازد. خلق و خوی عبارت است از مجموعه صفات روانی انسان که معمولاً در ارتباطات او با اشیاء و اشخاص، بروز و ظهور پیدا می‌کنند.

روانشناسان معمولاً خلق و خوی را محصول دو عامل می‌دانند: الف. مزاج و ترکیب بدنی که خود محصول وراثت است؛ ب. اوضاع و احوال محیطی (شولتز، دوان و شولتز، سیدنی آلن، ۱۹۸۹ م).

بنابراین در تعریف شخصیت آنچه مورد توجه و اهمیت است، قرار گرفتن دو عنصر وراثت و محیط و نقش تأثیرگذار و غیرقابل انکار آن‌ها در کنار یکدیگر در جهت‌دهی به آن است.

در این رابطه علامه طباطبائی در تبیین مفهوم شاکله می‌نویسد: «بین ویژگی‌های روانی و ویژگی‌های جسمانی انسان رابطه خاصی وجود دارد؛ برخی از مزاج‌ها سریع‌تر عصبانی شده و میل به انتقام و پرخاشگری در آن‌ها وجود دارد. در برخی از مزاج‌ها نیز میل به غذا و جفت زودتر فوران کرده و شدت می‌یابد و مانند این موارد، به گونه‌ای که نفس با کوچک‌ترین عامل به طرف مقتضیات طبع خود کشیده شده و تحریک می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴).

تا به اینجا به نوعی ارتباط که میان اعمال و اخلاق و ویژگی‌های ذاتی وجود دارد، اشاره شد؛ در این میان نوع دیگری از ارتباط وجود دارد و آن عبارت است از ارتباط بین اعمال و ملکات و بین اوضاع و احوال و عوامل خارج از ذات آدمی که در محیط و جو زندگی او وجود دارند، مانند آداب و سنن و رسوم و عادت‌های تقلیدی. این عوامل انسان را به موافقت خود دعوت کرده و از هر کاری که با آن‌ها ناسازگار است باز می‌دارد، زمانی نمی‌گذرد که این عوامل تصور ذهنی ثانویه‌ای را ایجاد می‌کنند که این تصور موجب تطابق اعمال آدمی بر اوضاع و احوال محیطی که انسان بدان انس یافته است می‌گردد

(پروین، ۲۰۰۱ م). باید افزود ساختار شخصیت و یا همان شاکله با توجه به دو عامل و یا دو جزء تکوینی (ارثی) و اکتسابی به تدریج در انسان به وجود می‌آید. در تفاسیر ذیل آیه‌ی (قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ) آمده است: ای محمد، به آن‌ها بگو: طبق طبیعت و خوی و منش خود رفتار می‌کنند؛ یعنی هرکسی طبق روش و عادت خود، رفتار می‌کند. هرکس کاری می‌کند که به نظرش پسندیده‌تر و با حق همانندتر است (طبرسی، ۱۳۶۰؛ کریمی حسینی، ۱۳۸۲).

با توجه به نحوه‌ی سازش فرد با محیط، شخصیت واسطه‌ای میان فرد و محیط دانسته می‌شود که گاهی فرد به محیط تسلیم می‌شود و گاهی بر آن چیره می‌گردد، بدین معنا که همیشه کشمکش دائمی میان فرد و محیط است و خلق و خو شخصیتی به صورت ارزیابی شده و یا به عبارتی سیستم کم‌ویش پایدار و مدامی از رفتار آدمی است که طبیعت هیجانی فرد را مشخص می‌کند، این کیفیت مشتمل بر حساسیت فرد در قبال تحرکات هیجانی، خلق و خو و ... می‌باشد (آلپورت، ۱۹۳۷ م).

شاکله، به معنای ساختار و بافت روحی انسان است که در اثر وراثت و تربیت و فرهنگ اجتماعی برای انسان پیدا می‌شود. بعضی شاکله را به معنای فطرت گرفته‌اند، درحالی که فطرت‌ها یکدست و ثابت است آنچه در انسان‌ها متفاوت است، انگیزه‌ها، خلق و خوی، عادات و بافت فکری و خانوادگی افراد است و عمل هرکس هم درگرو آن- هاست (صادقی تهرانی، ۱۳۸۳). خلق و خوی انسان از یک سو محصول وراثت و محیط انسان است و از سوی دیگر تحت تأثیر عامل سومی به نام اختیار؛ این مجموعه نیز دست‌به‌دست هم داده هیئت و حالت نفسانی انسان را می‌سازد.

## ۲) حاجت و نیاز

یکی دیگر از مقدمات شاکله، حاجت و نیاز است. نیازها از زیربنای رفتاری انسان هستند و دو دسته‌اند: نیازهای فیزیولوژیکی مثل گرسنگی، تشنگی و میل جنسی که نحوه‌ی ارضا

و برخورد با آن‌ها آموختنی و بستگی به نوع شخصیت دارد. دوم؛ نیازهای روانی مثل نیاز به تعلق داشتن، نیاز به امنیت، آزادی و ... که انسان، میل به سمت آن‌ها دارد و منجر به یک نوع احساس خودانگیختگی می‌شود و شخص می‌تواند به آن‌ها دست پیدا کند (شولتز، دوان و شولتز، سیدنی آلن، ۱۹۸۹ م).

نیازهایی در نوع بشر دیده می‌شوند که میزان بروز هر یک از این نیازها و نحوه‌ی ارضا و طرز تلقی آن‌ها از فردی به فرد دیگر و به تناسب ساخت روانی آن‌ها فرق دارد، انسان ذاتاً تمایلاتی دارد و برای رسیدن به آن‌ها شیوه‌ای خاص دارد و تفکر و عمل خود را تابع نیاز خود برای رسیدن به آن قرار می‌دهد (روزنهال و سیلیگمن، ۲۰۰۰ م).

کارهایی که از انسان سر می‌زند، برخاسته از یک سلسله نیاز و حاجت درونی است که عوامل محیطی و پرورشی و حتی وراثتی در پیدایش آن‌ها نقش دارند و انسان همواره دست به کارهایی می‌زند که با روشی که در زندگی برای خود اخذ کرده، مطابقت دارد. قرآن کریم براین مطلب تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد که هر کس بر اساس روش و طریقه‌ی خود عمل می‌کند (جعفری، بی تا).

### ۳) تعقل

تعقل نیز عامل دیگری در تعیین شخصیت و شاکله‌ی انسان است. شکل‌گیری شخصیت بر اساس آن بستگی به میزان به کارگیری آن است. عقل واژه‌ای عربی است و در زبان عرب به معنای (افسار)، مانع حرکت شتر معرفی شده است و معادل فارسی آن خرد و هوش می‌باشد (اصفهان‌ی، ۱۴۱۲).

عقل یک موهبت الهی است و استعداد مخصوصی است که خداوند در وجود بشر نهاده است تا با بهره‌گیری از آن بتواند در مسیر خود راه سعادت و رستگاری را طی کند؛ با توجه به اهمیت عقل می‌توان گفت: به کارگیری عقل و خرد چه در حوزه‌ی نظری که با

امور غیر اختیاری انسان سروکار دارد و چه در حوزه‌ی عملی که با امور اختیاری انسان سروکار دارد در شکل‌گیری شاکله نقش بسیار مهمی دارد.

خرد و یا تعقل، نقشی اساسی در جهت‌دهی اعمال انسان قائل دارد، به‌صورت تدریجی در تمامی جهت‌های زندگی انسان سایه می‌اندازد، برای آن تعیین جهت می‌کند و بعد از ساخت شخصیت، انسان بر طبق آن در چهارچوب مشخص و سازمان‌یافته‌ای عمل می‌کند (مزلو، ۱۹۸۸ م).

مجموعه‌ای از عناصر و ویژگی‌های جسمی و روانی انسان که عقل بشر نیز بخشی از ویژگی‌های روان‌شناختی وی را تشکیل می‌دهد، تحت عنوان شخصیت انسان مطرح می‌شود؛ شخصیت انسان، یک شخصیت عقلانی بوده است و هر انسانی که قصد داشته است تصمیمی بگیرد، این تصمیم را بر مبنای سود و زیان‌ها و آگاهی‌هایی که دارد بر مبنای عقل و اندیشه می‌گیرد و در همان جهت حرکت می‌کند (گلاور و بروینگ راجر، ۲۰۰۷ م).

در روایات بیان گردیده که هیچ خلقی نیکوتر از عقل آفریده نشده است، هر کس بر اساس عقلی که دارد پاداش داده می‌شود و حتی میزان سنجش اعمال نیکو و عبادات بر اساس اندازه‌ی عقل و خرد فرد تعیین می‌گردد، از این‌رو زیادی عبادات ملاک و معیار پاداش نیست، بلکه عقل معیار و ملاک شناخته می‌شود (کلینی، ۱۳۳۸). در نتیجه تعقل برای انسان شخصیتی می‌سازد که به کارگیری آن در انجام فعالیت‌ها به گونه‌ای است که به تدریج تمامی ابعاد زندگی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و می‌تواند شاکله را تحت تأثیر قرار دهد.

#### ۴) هیئت و ساخت

اصلی‌ترین معنای شاکله و شخصیت، هیئت و ساختار روانی است. چنانچه در تحلیل موارد فوق دیدیم، تمامی آن‌ها به چگونگی ساختار روانی انسان ارجاع داده می‌شد. هیئت روانی

انسان مجموعه واحدی است که نیت از آن برمی خیزد و در نهایت خلق و خوی حاصل آن است و در نتیجه طریق و روش بر اساس آن شکل می گیرد و بالاخره نیازها در بروز و ظهور خود متأثر از آن هستند. همان طور که گذشت، ساختار روانی انسان پیوسته در حال تعامل با عوامل محیطی و سرشتی از یک سو و اختیار از سوی دیگر است. از این رو می توان گفت: تعریف شاکله به تعریف شخصیت همسویی دارد.

شخصیت عبارت است از ساخت و هیئت واحد روانی انسان که در اثر تعامل وراثت و محیط و اختیار شکل گرفته است به گونه ای که محرکات محیطی را منطبق با خود تفسیر کرده و در مقابل آن ها به شیوه ای خاص پاسخ می دهد (مایلی، ۱۹۹۴ م).

علامه طباطبائی می نویسد: «گوئی خدای متعال بعد از آن که فرمود مؤمنین از کلام او شفاء و رحمت استفاده نموده و ظالمین از آن محروم اند، بلکه استفاده آن ها از قرآن بیشتر شدن خسران ایشان است، کسی اعتراض کرده است که چرا خداوند باید میان بندگانش فرق بگذارد؟ اعتراض دیگر اینکه اگر این تفاوت را قائل نمی شد و قرآن را برای هر دو فرقه شفا و رحمت قرار می داد، غرض رسالت بهتر حاصل می شد و به حال دعوت نافع تر بود، پس چرا چنین تفاوتی قائل شد؟ لذا در آیه ی مورد بحث رسول گرامی خود را دستور می دهد که ایشان را پاسخ دهد. به وی می فرماید تا به ایشان بگوید: (قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ) یعنی ما تفاوت قائل نشده ایم، این خود مردم اند که اعمالشان بر طبق شاکله و فعالیت های موجودشان صادر می شود (طباطبائی، ۱۳۷۴). به باور وی، آن که دارای شاکله معتدل است، راه یافتنش به سوی کلمه ی حق و عمل صالح و برخوردار از دین قدری آسان تر است و آن که شاکله ی ظالم و سرکش دارد، او هم می تواند به سوی کلمه ی حق و دین راه یابد، اما برای او قدری دشوارتر است و بیشتر به آن راه نمی آید و در نتیجه از شنیدن دعوت دین حق جز خسران عایدش نمی شود. (طباطبائی، ۱۳۷۴).



از جمله مهم ترین عوامل تأثیرگذار و شکل دهنده به شاکله و شخصیت انسان، نیت و اراده می باشد. نیت در لغت به معنای قصد و عزم آمده است (قیم، ۱۳۸۸). در اصطلاح به تصمیم آگاهانه برای انجام یک عمل، نیت اطلاق می شود. در حقیقت نیت حالت و صفتی برای قلب بوده که بین عمل و علم قرار می گیرد. با توجه به این نکته که: علم به این که چه کاری می خواهد انجام دهد قبل از نیت و اراده تحقق پیدا کرده و عمل و کار بعد از تحقق قرار می گیرد (کاشانی، بی تا).

از این رو باید این مهم را مورد توجه قرارداد که نیت از جمله دلایل برای اثبات اختیار افعال و رفتار آدمی و دوری از جبر می باشد چرا که قبل از انجام عمل حالتی بر قلب انسان عارض می شود و مابین عمل و علم او قرار می گیرد و این انسان است که تصمیم بر انجام و قطع عمل مورد نظر را در نهایت می گیرد.

از جمله روایتی که بین مسلمانان مشهور بوده و در کتب حدیثی وارد شده است، حدیث «انما الاعمال بالنیات» و لکل امر ما نوى» است. (بخاری، بی تا؛ کاشانی، بی تا). لذا بدنه و ساختار اعمال با نیت پیوند محکمی دارد. تأثیر و اهمیت آن در اعمال و رفتار و در نتیجه شخصیت است به گونه ای است که گفته اند: «کل يعمل علی شاکله: ای علی نیت» (یعنی شاکله به معنای نیت است) (کلینی، ۱۳۳۸).

نیت، شاکله ای برای انسان ایجاد کرده که یا با بهشت تناسب دارد یا با جهنم، از این رو تفسیر شاکله به نیت را دارای لطافت دانسته؛ زیرا نیت که از اعتقاد انسان سرچشمه گرفته، به عمل انسان شکل می دهد و او را مقید می سازد و شاکله یعنی همین امر مقید به همین دلیل نیت، نفس عمل و برتر از عمل شناخته شده زیرا در راستای عمل از نیت (حویزی، ۱۴۱۵). وقتی از امام صادق (ع) درباره ی نماز خواندن و عبادت در کنیسه سؤال می شود، ایشان آن را جایز شمرده و به آیه ی «قل کل يعمل علی شاکله» استناد می کنند (طوسی، بی تا). آنچه از نیت در روانشناسی مطرح است، نیروها و انگیزه های درونی می باشد که در شکل گیری شخصیت عنصر بسیار مهمی به حساب می آید.

علت اهمیت انگیزه‌ی درونی (نیت) بر عمل این است که انجام امور و تبعیت‌ها نتیجه تحولات قلبی است و مقدمه‌ اصلی آن همان انگیزه درونی می‌باشد که مربوط به قلب و عمل قلبی است بر اعمال بدنی برتری پیدا می‌کند. (فیست و گریگوری، ۱۹۸۹ م). باید به این مهم نیز توجه کرد که نیت به تنهایی عامل مؤثر بر شاکله و شخصیت نیستند و منحصرأ نمی‌توان بر این عامل تکیه کرد بلکه، امور دیگر نیز در جهت‌دهی شاکله نقشی اساسی دارند. از دیدگاه اسلام، نیت امری درونی است و عمل، ثمره و حاصل نیت است؛ بدین ترتیب نیت یا انگیزه‌ی انجام یک عمل از انجام آن جداست.

نباید نیت را با تصور صرف مساوی دانست؛ نیت‌ها خود محصول هیئت‌های روانی هستند که بسیاری از عناصر آن‌ها از حیطه تصورات و تفکرات انسان خارج است. تصحیح و تغییر این هیئت و حالت باید از طریق ریاضت‌های سخت و تفکرات بسیار دقیق و صحیح و همچنین تلاش‌ها و مجاهدات فراوان صورت پذیرد (احمدی، ۱۳۷۴).

## ۶) رفتار و اعمال

اهمیت اعمال و رفتار در روانشناسی به‌گونه‌ای است که در علم روانشناسی شاخه‌ای با عنوان روانشناسی رفتار به وجود آمده است و مطالعات پیرامون آن به‌طور مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آنچه شخصیت ما را شکل می‌دهد و نوع رفتار ما را نسبت به محرک‌های بیرونی تعیین می‌کند اعمال و رفتار می‌باشد، به‌گونه‌ای که می‌توان با استفاده از الگوهای رفتاری، رفتار انسان را پیش‌بینی کرد، رفتار می‌تواند به روشی منظم و قابل مشاهده بررسی شود و خطوط کلی رفتار انسان را ترسیم می‌کند (فیست و گریگوری، ۱۹۸۹ م).

اعمال و رفتار نیز بر شاکله تأثیرگذار است بدین معنا که رفتار و اعمالی که انسان آن را تکرار می‌کند و به‌صورت عادت می‌شود خواه یا ناخواه بر شخصیت و شاکله تأثیرگذار است. ملکات نفسانی عبارت است از صفاتی که بر اثر اصرار و تکرار انسان بر عملی در

نفس او حادث شده و رسوخ می یابد (فیض بی تا). در واقع شاکله تحت تأثیر اعمال انسان شکل گرفته و در طول آن پرورش می یابد و بدین ترتیب تغییر دادن آن به سختی و با دشواری همراه است چراکه به صورت یک ملکه در وجود فرد شکل گرفته است. در قرآن کریم انسان و نفسش را مرهون رفتار و اعمال او دانسته است، به عنوان مثال: در سوره مدثر آیه ۳۸ «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» و نیز سوره ی طور آیه ی ۲۱ «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ»، واژه رهن در آیات شریفه نیز دلالت بر محبوس شدن دارد و هر چیزی که دوام پیدا کند و ثبات داشته باشد رهن نامیده می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴). هر نفسی در گرو است، با آنچه کرده است، یا به سبب آنچه کرده، یا در مقابل آنچه کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴). می توان گفت نقش عمل و رفتار آدمی بر شاکله و شخصیت او روشن است و این خود عامل پاداش و مجازات است.

یکی از زمینه هایی که با توجه به آن نظام شخصیت را بررسی و تحلیل می کنند رفتار انسان می باشد، به فعلیت رسیدن تمایلات و انگیزه های درونی هر فرد نیز وابسته به رفتار و اعمال اوست، از طرفی رفتار و اعمال او، در نهایت منجر به شکل گیری شکل قوام یافته ای از شخصیت می شود، چنانچه می توان رفتار را از جمله مهم ترین عنصر در تشکیل و تحلیل شخصیت مورد ارزیابی قرارداد (هاوتن؛ کرک؛ سالکوس کیس و کلارک، ۲۰۰۳ م).

حقیقت و فعلیت هر فردی وابسته به شالوده و ملکات اخلاق او می باشد (امین، ۱۳۶۱). در علم روانشناسی، اعمال و رفتار از جایگاه بسیار رفیعی در شکل گیری شخصیت برخوردار هستند. اهمیت آن به گونه ای است که روانشناسی مدرن نیز این مؤلفه را در تعیین شخصیت بسیار مهم می داند و آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد.

روانشناسی مدرن مانند روانشناسی قدیم، شدیداً به مطالعه ی رفتار علاقه مند است، فکر کردن نوعی رفتار است، به خاطر سپردن (حافظه)، سراسر فعالیت های انسان، چه ساده و چه پیچیده، چه در ارتباط با عبادت و چه در ارتباط با تعاملات عادی، نیز رفتار هستند (آمبرحق، ۱۳۹۰).

بنابراین از موضوعات مطرح و مورد اهمیت در روانشناسی و اسلام، اعمال و رفتار می -  
باشد که هر یک نقش انکارناپذیری در به وجود آمدن شخصیت و شاکله‌ی انسان دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم شخصیت در مکاتب و رویکردهای مختلف روانشناسی اعم از؛ رویکرد رفتاری، رویکرد شناختی، رویکرد صفاتی و رویکرد یکپارچه نگر تقاطعی، از تعاریف متفاوتی برخوردار است. با این حال، امروزه این واژه در ادبیات روانشناسی معنایی وسیع یافته و آن را «تفاوت‌های فردی در الگوهای تفکر، احساس و رفتار» می‌دانند که این تعریف اغلب در رویکردهای یکپارچه‌نگر و تقاطعی دیده می‌شود. بررسی مفاهیم هم‌نشین «شاکله» در آیات قرآن و روایات، ضمن مراجعه به کتب لغوی متقدم، منابع اولیه روایی شیعه و تفاسیر معتبر، نشان‌دهنده تفاوت معناداری بین مؤلفه «شخصیت» در روانشناسی و مفهوم «شاکله» در آیات قرآن و روایات است. اگرچه در یک تعریف کلی شبیه به یکدیگر هستند و بعضاً عناصر مطرح در شکل‌گیری «شخصیت» در روانشناسی، قابل انطباق با شاخصه‌های تشکیل‌دهنده «شاکله» در آیات قرآن و روایات می‌نمایند، اما مفهوم «شاکله» با دایره گسترده‌تری، معنایی اعم از شخصیت داشته و علاوه بر انگیزه‌ها و هیجانات انسان در دو بعد مادی و بعد روانی، شاخصه‌های دیگری همچون: خلق و خوی، نیت‌ها، مقبولات، عادات، شایستگی‌ها، حاجات و نیازها، ساختار و بافت روحی، مذهب و طریقت، تعقل و رفتار را نیز در برمی‌گیرد.

بر اساس آیات قرآن، اعمال انسان برگرفته از خصوصیات و ویژگی‌های ثابت روانی اوست. خصوصیات همچون توانایی‌ها، عقاید، نگرش‌ها، انگیزش‌ها، هیجان‌ها و صفات شخصیتی در هر فرد که در روح هر شخص شکل می‌گیرد، ترکیب ویژه‌ای دارد که او را از دیگران متمایز می‌سازد و نیز مشخص می‌کند یک فرد چگونه به دیگران واکنش نشان خواهد داد. به عبارتی «شاکله»، فقط بودن انسان را تعیین نمی‌کند، بلکه رفتار او را هم مشخص می‌سازد؛ بنابراین اعمال انسان، چه از طبیعت و سرشت انسان سرچشمه گرفته باشد و یا خواه نتیجه عادات و اخلاق او باشد، هرگز بی‌بهره از تأثیر آن «شاکله وجودی» نبوده و از آن آزاد و رها نیست و این از اختصاصات مفهوم شاکله نسبت شخصیت است.

## منابع

قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- اتکینسون، ریتال آل (بی‌تا). زمینه‌ی روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد، حسن رفیعی و همکاران ارجمند، تهران، بی‌جا.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۷۴). روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، تهران، امیرکبیر.
- امین، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر القرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- آمبر حق، یاسین محمد (۱۳۹۰). علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، اهران، ساوالان.
- بخاری، محمدبن اسماعیل (بی‌تا). صحیح البخاری، لبنان-بیروت، موسسه تاریخ العربی.
- پروین، لارنس (۲۰۰۱ م). روانشناسی شخصیت نظریه و تحقیق، محمد جوادی و پردین کدیور (۱۳۸۱)، تهران، نشر آبیژ.
- جعفری، یعقوب (بی‌تا). تفسیر کوثر، قم، هجرت.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، تحقیق محلاتی، موسسه‌ی مطبوعاتی اسماعیلیان.
- درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵). اعراب القرآن، سوریه، دارالارشاد.
- دیدگاه، زهرا؛ شریعتی، سیدصدرالدین؛ بهشتی، سعید و ایمانی نایینی، محسن (۱۳۹۷)، تبیین نقش مسئولیت‌پذیری در تربیت اجتماعی نوجوانان بر اساس تفسیر المیزان، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال نهم، شماره ۳۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی، تهران، نشر مرتضوی.
- روزنهال، دیویدال و سلیگمن، مارتین، ای. پی (۲۰۰۰ م). روانشناسی نابهنجاری، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، تهران، سالوان.

- سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۴). *نظریه‌های شخصیت*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شاملو، سعید (۱۳۸۴). *مکاتیب و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*، تهران، انتشارات رشد.
- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی آلن (۱۹۸۹ م). *روانشناسی کمال*، ترجمه‌ی گیتی خوشدل، تهران، نشر نو.
- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی آلن (۱۹۹۸ م). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی، تهران، هما.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صفاری نیا، مجید؛ آقا یوسفی، علیرضا و برادران، مجید (۱۳۹۳). «*رابطه ابعاد شخصیت با حل مسئله و بهزیستی روان‌شناختی: نقش خودشیفتگی*»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیرالمیزان*، ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه‌ی قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، مکتبه‌العلمیه الاسلامیه.
- طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). *تهذیب الاحکام*، بیروت - لبنان، دارالتعاریف للمطبوعات.
- عبدالقادر، حویش (۱۳۸۲). *بیان المعانی*، دمشق، مطبعه الترقی.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲). *الفروق اللغویه*، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین قم.
- فیست، جس و گریگوری، فیست (۱۹۸۹ م). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، نشر روان.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶). *الوافی*، اصفهان، کتابخانه‌ی امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.
- قیم، عبدالنبی (۱۳۸۸). *فرهنگ معاصر میانه عربی - فارسی*، تهران، فرهنگ معاصر.

کاشانی، مولی محسن (بی تا). *المحجّه البیضاء فی تهدیب الاحیاء*، تصحیح غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

کریمی حسینی، عباس (۱۳۸۲). *تفسیرعلیین*، قم، انتشارات اسوه، قم.

کریمی، یوسف (۱۳۷۰). *روانشناسی شخصیت*، تهران، دانشگاه پیام نور.

کریمی، یوسف (۱۳۸۹). *روانشناسی انسان و شخصیت*، تهران، موسسه‌ی نشر ویرایش.

کلینی، محمد یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گروسی فرشی، میر تقی (۱۳۸۴). *رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت*، تبریز، دانیال.

گلاور، جان ای و برونیگ راجر، اچ (۲۰۰۷ م). *روانشناسی تربیتی و کاربرد و اصول آن*، ترجمه‌ی علی نقی، بی جا، نشر دانشگاهی.

مایلی، ربرتو (۱۹۹۴ م). *تحول و پدیدآیی شخصیت*، ترجمه‌ی دکتر محمود منصور، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی.

محمدعلی نژاد عمران، روح‌الله و کمالوند، پیمان (۱۳۹۵). «*مفهوم شناسی تطبیقی عزت نفس در قرآن و روان شناسی انسان‌گرا*»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال هفتم، شماره ۲۷.

مزلو، آبراهام (۱۹۸۸ م). *روانشناسی شخصیت سالم*، ترجمه‌ی شیوا رویگران، تهران، گلشایی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات قرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۵۲). خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، حبیب الله آموزگار، تهران، اقبال.
- نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد (۱۴۲۱). اعراب القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- هامر، دین (۲۰۰۵ م). نقش زن در شکل گیری شخصیت، ترجمه علی متولی زاده ارکانی، تهران، چهر.
- هاوتن، کیت؛ کرک، جوان؛ سالکووس کیس، پال و کلارک، دیوید میلر (۲۰۰۳ م). رفتاردرمانی شناختی، ترجمه ی حبیب الله قاسم زاده، نشر ارجمند.
- هرگنهان، بی آر (۲۰۱۵ م). تاریخ روانشناسی، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران

- Allport, G. W. (1937). *Personality, a psychological interpretation*.
- Bishop, S. K., Dixon, M. R., Moore, J. W. & Lundy, M. P. (2016). *Behavioral Perspectives on Personality*.
- Carver, C. S., & Scheier, M. F. (2012). *Perspectives on personality*. Pearson Education.
- Fajkowska, M. (2018). *Personality traits: Hierarchically organized systems*. *Journal of personality*, 86(1), 36-54.
- Kazdin, A. E. (2000). *Encyclopedia of psychology*. Washington, DC: American Psychological Association.